

## هزار نکته باریک‌تر از مو در نقاشی بچه‌ها

آیا تا به حال به نقاشی کودکان توجه کردید یا به عنوان یک چیز پیش‌پاافتاده از کنارشان رد شده‌اید؟ نقاشی کودکان وسیله انتقال پیام است. کودک از طریق نقاشی، برای بزرگسالان و گاه برای دنیا پیام می‌فرستد.



جام جم آنلاین: آیا تا به حال به نقاشی کودکان توجه کردید یا به عنوان یک چیز پیش‌پاافتاده از کنارشان رد شده‌اید؟ نقاشی کودکان وسیله انتقال پیام است. کودک از طریق نقاشی، برای بزرگسالان و گاه برای دنیا پیام می‌فرستد. نقاشی‌های او وسیله‌ای برای بیان خویشتن، فرار از آزارهایی که دیده و نمادین کردن تابوهایی است که با رنج بچه‌ها ارتباط دارد و آنان قادر به بیان این رنج‌ها از طریق زبان نیستند.

کودک اغلب درون خود را به وسیله کشیدن نقاشی عیان می‌سازد و علائق، عقده‌ها، کمبودها و تمایلات خود را ناخودآگاه در نقاشی‌هایش به کمک سمبل نشان می‌دهد.

در واقع بچه‌ها از طریق نقاشی می‌توانند آنچه را که در ضمیر ناخودآگاهشان دارند و احتمالاً باعث ناراحتی‌ها، نگرانی‌ها، ترس‌ها و اضطراب آنان می‌شود، بیان کنند و با این روش بیرون بریزند.

نقاشی می‌تواند احساسات درونی کودک را بیان کند و باعث تخلیه هیجانی وی شود و همین تخلیه هیجانی نیز به درمان بچه‌های مشکل‌دار منتهی شود. نقاشی کودک نه تنها هوش و سطح تحول ذهنی او را نشان می‌دهد، بلکه باز کردن نوعی فراقنی از هستی خود و دیگران است و ما را به مسائل روانی و تاریخچه زندگی کودک رهنمون می‌شود.

### نقاشی و فراقنی کودکان

هم‌اکنون کارشناسان و متخصصان کودک از نقاشی به منزله فراقنی ناهشیار با هدف شناخت شخصیت و حل مشکلات روانی کودکان مشکل‌دار استفاده می‌کنند، چراکه این روش، امکان نزدیک‌تر شدن به کودک و پاسخگویی به سوالاتی که وی توانایی بیان آنها را ندارد، فراهم می‌سازد. در حقیقت همه پرسش‌های پنهانی، شادی‌ها، اضطراب‌ها، عشق‌ها و ترس‌های کودک در نقاشی نمایان می‌شود. کودک که الفاظی را برای بیان احساس خود در اختیار ندارد، از راه نقاشی‌هایش و از طریق راز و رمزهایی مانند خورشید، آب، درخت یا خانه بدون هیچ قید و بندی سخن می‌گوید و پیام خود را به اطرافیان بخصوص والدینش می‌رساند.

### چگونگی روابط در خانواده و تاثیر آن بر نقاشی کودکان

برخلاف آنچه تصور می‌شود، کودکانی که در یک خانواده به دنیا آمده و بزرگ شده‌اند، هر کدام به طرق مختلف توسط والدین خود تربیت و مورد محبت قرار می‌گیرند؛ البته این موضوع را والدین منکر می‌شوند و همیشه اطمینان می‌دهند که هیچ فرقی میان فرزندان‌شان نمی‌گذارند. ترجیح دادن یک فرزند به دیگری، انگیزه‌ای کم و بیش ناخودآگاهانه دارد و حتی اگر این موضوع را کنار بگذاریم، اختلاف در طرز رفتار با کودکان هرگز به اندیشه یا کم و بیش به تعلق خاطر داشتن پدر و مادر بستگی ندارد، بلکه به عوامل عینی دیگری مانند ترتیب تولد، جنسیت کودک و عوامل احتمالی دیگر بستگی دارد؛ به عنوان مثال اگر مادری دلش پسر می‌خواسته، صاحب دختر شود، رفتار نسبت به نوزاد دختر کمتر محبت‌آمیز یا می‌توان گفت کمتر از صمیم قلب است یا در جوامع مردسالاری، پدران غالباً نسبت به پسران خود سختگیری می‌کنند و بیشتر مراقب کار مدرسه و پیشرفت آنها هستند، در حالی که در مورد دختران‌شان توجه کمتری نشان می‌دهند یا کودک یکی یکدانه و اولین فرزند خانواده، همیشه مورد توجه و مراقبت فراوان پدر و مادر است و چون رقیبی ندارد در روابط عاطفی انحصارطلب است.

در نقاشی کودکان ملایم، خطوط منحنی غلبه دارد و بیشتر از رنگ‌های ملایم و شاد بخصوص آبی و نارنجی استفاده می‌شود اما در نقاشی‌های کودکان پرخاشگر معمولاً خطوط ترسیم شده زاویه‌دار پرنرنگ و پر از تیزی است. کودکان اول هم خیلی بیشتر از دیگر کودکان به خواهر و برادرانشان حسادت می‌ورزند و گاه نسبت به آنان مستبد هم می‌شوند و در کوچک‌ترها احساس کوچکی و زبردستی به وجود می‌آورند.

تمام این عوامل و تاثیر آنها در زمانی که ما از کودک می‌خواهیم یک نقاشی خانواده را بکشد، خود را نشان می‌دهد. اعضای یک

خانواده هماهنگ در نقاشی کودکان همیشه با هم و دست در دست هم نشان داده می‌شوند. نزدیک شدن دو یا چند شخصیت در نقاشی کودک نشانگر انس و الفت واقعی آنها یا تمایل کودک به آنهاست.

کودک معمولا خودش را نزدیک کسی نقاشی می‌کند که حس می‌کند در کنارش راحت است یا او را بیشتر از همه دوست دارد.

وقتی کودکی حس می‌کند کاملا از دیگر اعضای خانواده جداست یا در صورتی که نسبت به آنها احساس خاصی نداشته باشد، در نقاشی‌هایش خود و دیگران را به طرق مختلف از هم جدا می‌سازد.

در بیشتر نقاشی‌هایی که کودکان از خانواده خود می‌کشند، همیشه یک شخصیت اصلی وجود دارد که کودک بیشترین بار احساسی خود را چه به صورت عشق و ستایش و چه به صورت ترس و دلهره روی او مستقر می‌کند. این شخصیت اصلی و برجسته غالبا قبل از دیگران کشیده می‌شود، زیرا او اولین کسی است که کودک به او فکر می‌کند و توجهش به او جلب می‌شود. این شخص گاهی در مرکز کاغذ ترسیم می‌شود و نگاه‌های دیگر اشخاص به طرف او برمی‌گردد، بزرگ‌تر از بقیه کشیده می‌شود و بیش از بقیه فضای روانی کودک را اشغال می‌کند. کودک در کشیدن اعضای منسوب به این شخص نهایت دقت را می‌کند و گاهی اوقات نیز تصویر این شخص ارزشمند (اهم از پدر، مادر، عمو، خواهر، برادر و...) را چند بار در تصویر می‌کشد.

خلاف این اصل نیز صادق است؛ مثلا کودکی که پدرش دائم او را تنبیه می‌کند، تصویر او در نقاشی حذف می‌شود یا شخصی که برای کودک ارزش ندارد، همیشه در آخرین لحظه و با کمترین جزئیات و کوچک‌تر از همه و گاهی خارج از گروه خانواده کشیده می‌شود.

نقاشی خانواده که بسیار زیاد به عنوان وسیله‌ای برای تشخیص امراض روانی و تجزیه و تحلیل فردی کودک به کار گرفته می‌شود، در عین حال می‌تواند اطلاعات زیادی برای شناخت محیط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خانواده را ارائه دهد.

#### نقاشی‌های با احساس

هیجان‌پذیری و هیجان‌ناپذیری: کودکان اغلب هیجان‌پذیری خود را با خطوط کمرنگ، مردد، از سر گرفته شده و گاهی لرزان نشان می‌دهند.

کودکان هیجان‌پذیر معمولا از رنگ‌های ملایم، کمرنگ، سایه‌دار و گاهی نیز از خاکستری و سیاه که گرایش به افسردگی را مشخص می‌کند، استفاده می‌کنند.

نقاشی کودکان آرام و هیجان‌ناپذیر، دارای خطوط منظم و استوار است. قطع شدن خطوط غیرضروری و لرزش در آن دیده نمی‌شود و نقاشی از رنگ‌آمیزی متعادل برخوردار است.

ملايتم، خشونت: در نقاشی کودکان ملایم، خطوط منحنی غلبه دارد و بیشتر از رنگ‌های ملایم و شاد بخصوص آبی و نارنجی استفاده می‌شود.

اما در نقاشی‌های کودکان پرخاشگر معمولا خطوط ترسیم شده زاویه‌دار، پرنرنگ و پر از تیزی است و جزئیات صورت آدمک‌هایی که می‌کشند، همه نشان‌دهنده خشم است؛ مثلا چشم دریده، بینی با پره‌های باز، لب‌های کلفت و دندان‌ها و ناخن‌های مشخص و تیز، شانه‌های پهن و مشت‌های گره کرده است. معمولا کودکان پرخاشگر از رنگ‌های زنده تند مانند قرمز همراه با رنگ سبز (نشانه خشم) استفاده می‌کنند همچنین این رنگ‌ها همراه با رنگ سیاه (نشانه احساس گنهکاری توام با میل به آزارگری) در نقاشی این دسته از کودکان غلبه دارد.

شادی، افسردگی و اضطراب: کودکی که شاد است با ریتم خوبی نقاشی می‌کند و تعادل کلی در شکل‌های نقاشی وی دیده می‌شود. رنگ‌های نقاشی وی صریح، متنوع، زنده و شاد است. صورت آدمک‌ها با حالت زنده و متعادل است. نمادهای خوشبختی مانند خورشید و گل نیز اغلب در نقاشی این کودکان دیده می‌شود؛ اما در نقاشی کودکان غمگین، خطوط مبهم بوده و غالبا به سمت پایین حرکت دارد.

نقاشی‌ها کمرنگ، سایه‌دار و بدون رنگ و پاره‌ای از نواحی کاملا سیاه است و اما در کودکان مضطرب ترسیم و نقاشی به کندی صورت می‌گیرد و گرایش به استفاده از مداد پاک‌کن زیاد است. خطوط یا بسیار کمرنگ یا بسیار پرنرنگ است و غالبا از سر گرفته می‌شود.

آدمک در نقاشی این دسته از کودکان غالبا معلول، بدون تنه یا آن که اعضا به صورت ناقص و چسبیده به بدن ترسیم می‌شود، پاهای

کوچک و ناستوار است و نداشتن ایمنی را در این کودکان آشکار می‌کند. دهان آدمک‌ها به صورت خطی، نامنظم و گاهی دارای حالت خنده‌ای عصبی است، رنگ‌ها سرد و تیره است و گاه رنگ سیاه همراه با رنگ قرمز (نماد خون و پرخاشگری) غلبه دارد و این رنگ‌ها به صورت هاشور، چهارخانه، سایه روشن یا رنگ‌های یکسره نشان داده می‌شود.

رنگ‌ها، خطوط و فضاها چه می‌گویند!

رنگ‌ها یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها و معیارهای سنجش شخصیت و شناخت روح و روان کودکان است. رنگ همیشه وسیله‌ای برای بیان ارتباط، احساسات و عقاید بوده و هست، به طوری که می‌توان به زبان رنگ‌ها صحبت کرد. انتخاب رنگ توسط کودک به طور نسبی می‌تواند اطلاعات صحیحی در زمینه رفتارهای خانوادگی و نوع عملکرد خانواده‌ها در منزل بدهد. به عنوان نمونه کودکانی که بیشتر از رنگ‌های تیره در نقاشی‌های خود استفاده می‌کنند، معمولاً در خانه از آرامش کافی برخوردار نیستند و غالباً پس از بررسی، از مشاجرات پدر و مادر یا بداخلاقی والدین گله می‌کنند. کودکان سالم که در مراحل رشد طبیعی به سر می‌برند، طبعاً گرایش به انتخاب رنگ‌های گرم (قرمز) دارند. این رنگ نشان از نوعی وابستگی، علاقه، تحرك و تمایل به زندگی است؛ به طور کلی می‌توان گفت سرخوردگی‌های کودک که ناشی از تربیت سوء والدین است مستقیماً در انتخاب رنگ‌های او در نقاشی‌هایش تاثیر دارد.

خطوط نیز در نقاشی کودکان بدون وابستگی به محتوا دارای بار شدید بیانی و قدرت وجودی خاصی است. خط می‌تواند به اشکال مختلف مانند ضخیم، نازک، خط نقطه، خط مداوم، عمودی، افقی، زاویه‌دار، مارپیچ و... ظاهر شود. خط‌ها به تنهایی توانایی آن را دارد که حالت‌های روانی متفاوت مانند غم، شادی، عصبانیت و اطمینان به خود را نشان دهد. کودک در زمان راحتی و شادی خطوطی بازتر و بلندتر را نقاشی می‌کند و ضعف عصبی با فشردگی و کوتاهی خطوط، پرخاشگری یا قطعه قطعه و متغیر کردن و بهم پیچیدن خطوط و احساسات با خطوط نازک و حرکات ملایم در آنها نشان داده می‌شود، اما انتخاب فضا توسط کودک در نقاشی‌هایش نیز سخن‌هایی دارد. به طور کلی کودکانی که نقاشی‌شان را با هماهنگی و تناسب لازم روی کاغذ ترسیم می‌کنند، کودکانی آرام هستند. کودکان کمرو نقاشی خود را در گوشه کاغذ می‌کشند و نقاشی کودکی که زیاد به طرف چپ کاغذ متمایل شود، نشانگر غم، اندوه، گوشه‌گیر بودن و بی‌اعتمادی نسبت به خود است.

نقاشی در فضاها انتخابی کوچک نشان از حالت‌های افسردگی و اضطراب است و استفاده از حاشیه کاغذ برای ترسیم نقاشی به معنای #171& نیاز مبرم به کمک دیگران؛ است. وابستگی به مادر از طریق کشیدن نقاشی‌ها در حاشیه کاغذ از بالا به پایین تشخیص داده می‌شود. موجی بودن خطوط و بزرگ‌تر کردن نقطه‌ها و تبدیل دواير کوچک در کودکان دارای اضطراب دیده می‌شود.

معصومه اسدي / جام‌جم